بررسی الزامات راهبردی تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف

احمد مزینانی[۱]

چکیده

مبتنی بر مفروض نگارنده در مقاله حاضر، تهاجم اطلاعاتی علیه حریف در صورتی کارآمد و اثربخش است که شناخت درستی از ماهیت، ساختارها و اهداف آماج هدف تهاجم حریف وجود داشته باشد. مبتنی بر همین مفروض نگارنده با تکیه بر مسئله ناشناخته بودن حوزه های سه گانه و الزامات مرتبط با آنها، از جمله علل کاهش موفقیت نهاد های اطلاعاتی در حوزه حریف است. به همین منظور نگارنده با تکیه بر روش توصیفی ـ تحلیلی تلاش نموده ضمن ترسیم شالکه اصلی حوزه حریف، تدابیر و الزامات راهبردی برای اقدام در حوزه حریف معرفی نماید.

یافته های تحیق حاضر حاکی از آن است تکیه بر نگرش منظومه وار، تراز یابی سطح برخورد اطلاعاتی، فهم الگوی حکمرانی سیاسی امنیتی، شناسایی و تمرکز بر کنشگران کلیدی حریف، ریخت شناسی از جمله الزامات تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف است.

دوم سازماندهی عملیات تهاجماطلاعاتی ی را مشروط به تدبیر راهبردی بعدی یعنی ریخت شناسی حوزه حریف می داند که شامل لایه های پنج گانه‌ی: محیط شناسی، ایده شناسی، ساختارشناسی، شناخت کنشگران و شناخت روش های تهاجم است و در ادامه نگارنده به اهمیت تعیین نقاط آماج به عنوان کانون تدبیر راهبردی تهاجمی تأکید دارد که مهمترین نقاط آماج در حوزه حریف (نظیر ایالات متحده آمریکا) عبارت است از:

---

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع) و مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).

ساختارهای تصمیم سازی، تصمیم گیری، ملیشیای درونی (طبقه متوسط معترض) و مهاجرین و رنگین پوستان ساکن در هدف است.

در پایان نویسنده، با تکیه بر ادبیات مذکور تضمین موفقیت تهاجم اطلاعاتی را منوط به توجه به الزامات راهبردی سه گانه می‌داند که شامل: ادراک ماهیت بینشی (فکری ـ نظری)، ادراک شیوه کنشی (رفتاری ـ عملی) و ادراک سازه ساختاری (هیئت ـ شکل) حریف است.

واژگان‌کلیدی: تهاجم اطلاعاتی، محیط حریف، ریخت شناسی، ماهیت شناسی، الزامات راهبردی، نقاط آماج.

مقدمه

در تجربه نزدیک به چهار دهه پرتلاطم و پرچالش امنیتی، نظام اسلامی توانسته است بسیاری از موانع مهم از تهدیدات امنیتی متنوع، متکثر و پرهزینه‌ای که در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی با موفقیت و سرافرازی پشت سربگذارد. به‌گونه‌ای که نظام اسلامی امروز به یک موقعیت ویژه‌ای در ابعاد منطقه ای و جهانی دست‌یافته است که قابل‌مقایسه با هیچ‌یک از مقاطع تاریخی تمدن ایرانی و اسلامی نیست. به همین سبب امروز جمهوری اسلامی یک کنشگر اثرگذار در تحولات منطقه ای و به تبع آن تحولات جهانی تبدیل نموده است. امّا تحولات سریع و پردامنه در فضای ارتباطی و اطلاعاتی باعث شده است که حجم، گستره، پیچیدگی، تنوع و ماهیت تهدیدات پیش روی نظام اسلامی نیز هم دچار دگرگونی شود و این تهدیدات حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی را در نوردیده است.

بنابراین از آنجا که جمهوری اسلامی ایران از یک سو به دلیل ایفای نقش سازنده تحولات سلبی و ایجابی ژئوپلیتیکی منطقه و جهان اسلام در تمدن سازی نوین، دارای ایده جهان شمول است و از سوی دیگر به دلیل مخاطب قرار دادن فطرت انسانی دارای گفتمان جهان شنود است، نهادهای اطلاعاتی و امنیتی برآمده از بطن و متن انقلاب اسلامی چه بخواهد و چه نخواهند، می بایست از یک سو فعالیت های امنیت سازی خود را از منظر کمی و کیفی موسع نمایند و تلاش های خود را به حوزه پایین دستی امنیت توسعه دهند و از سوی دیگر بسیاری از مرزهای حقیقی و یا خود ساخته ذهنی و عینی و جغرافیایی را درنوردند. با این اوصاف یکی از بهره راهکارهای مقابله با تهدیدات، رفع آسیب پذیری ها و ایجاد فرصت های تازه، توسعه دامنه فعالیت های اطلاعاتی ـ امنیتی به درون جامعه سیاسی و ساختار سازمانی و شخصیت انسانی هدف یا حریف مورد نظر است.

در مجموع از آنجا که تهاجم اطلاعاتی به صورت ذاتی بر غافلگیری راهبردی و در تقابل اطلاعاتی با حریفان است. بنابراین هدف این مقاله بررسی ماهیت تهاجم اطلاعاتی برای دستیابی به الزامات راهبردی و با هدف کارآمدی و اثربخشی فعالیت های اطلاعاتی و امنیتی در حوزه حریف است.

بیان مسئله

تحولات سریع ناشی از توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، زمینه تغییر دنیای حقیقی و مجازی را فراهم نموده و باعث تلاطم زایی و آشوب ناکی دنیای جدید شده است به‌گونه‌ای که معمولاً بسیاری از نهادها و شخصیت‌های فعال دچار جاماندگی از تحولات می‌شوند. بر این اساس بازنگری و بازفهمی بسیاری از پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و به‌ویژه پدیده‌های امنیتی به یک نیاز ضروری برای نهادها متولی و شخصیت‌های مسئول تبدیل‌شده است. در این میان جیوه‌ای شدن و سیالیت مرزهای ژئوپلیتیکی، هم تنوع تهدیدات امنیتی را افزایش داده و هم فرصت‌های بکر و بی‌نظیری در پیش پای عناصر و نهادهای امنیتی نهاده است. ضمن اینکه ماهیت استکبار ستیزانه و حمایتگری از مستضعفان، موقعیت و دامنه ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی در عصر جدید از فضای پیرامونی حوزه سرزمینی ایران فراتر رفته و علاوه بر غرب آسیا بسیاری از جوامع در حال تقابل با مستکبران و مستبدان جهان از جمله آمریکای جنوبی، آمریکای لاتین و... را در نوردیده است. با این وجود پرداختن به موضوع تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف، همراهی و هم گامی هوشمندانه با تحولات منطقه ای، جهانی و افزایش منزلت ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی و استفاده از فرصت‌های جدید محسوب می‌شود.

واقعیت آن است به‌رغم تلاش‌های صورت گرفته و اهمیت و ضرورت تهاجم اطلاعاتی در محیط امنیتی حریف، ابعاد اصلی و فرعی تهاجم اطلاعاتی در محیط امنیتی حریف دچار بدفهمی و یا کج فهمی های می باشد. بااین‌وجود با توجه به مسئله اصلی این پژوهش «ناشناخته بودن شاکله شکل‌دهنده و الزامات راهبردی تهاجم اطلاعاتی در محیط امنیتی حریف» است با این وجود محقق به دنبال پاسخ به چند سؤال زیر است:

تهاجم اطلاعاتی دارای ماهیتی است؟

اهداف آماج تهاجم اطلاعاتی در محیط امنیتی حریف کدام است؟

تهاجم اطلاعاتی در محیط امنیتی حریف دارای چه الزاماتی است؟

مفهوم شناسی و ابتناء نظری

مفهوم شناسی و تعریف عملیاتی

اقدام از منظر لغوی به معنای: رفتار، عمل، مبادرت، شجاعت، جرئت، جسارت، گستاخی، دلاوری، ثبات و پایداری است. همچنین اقدام مترادف پیش رفتگی، پیش درآمدن، شروع کردن، پیش رفتن در کاری، پیش فرستادن، (لغتنامه دهخدا و عمید) و تهاجم یعنی: تاخت، تعرض، تک، حمله، شبیخون، هجوم، یورش، حمله کردن یکی بر دیگری، به یکدیگر هجوم کردن، مقابل تدافع، سبقت جویی بر کسی در کاری، پیشی گرفتن بر کسی یا چیزی، زودتر اقدام کردن در کاری از دیگری است (لغتنامه دهخدا و عمید) .

در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از واژه پیش‌دستانه برای تهاجم استفاده می‌شود و بنابراین تهاجم یک کنشگر به‌قصد از میان بردن امکان حمله قریب‌الوقوع طرف دیگر را جنگ پیش‌دستانه می‌گویند. جنگی که بر مبنای وجود شواهد بی‌چون‌وچرا از حمله قریب‌الوقوع دشمن، آغاز می‌گردد. (کالینز،۱۳۷۰: ۴۸۶) این اقدام به‌منظور بازداشتن طرف دیگر از دستیابی به قابلیت حمله آفند آغاز می‌شود[۱] قدرت مورد تهاجم یا دارای قابلیت تهدید پنهان است یا از طریق رفتار خود نشان داده که قصد دارد در آینده حمله‌ای را در پیش بگیرد. برای توصیف هر دو حالت (پیش‌دستانه و پیشگیرانه) از عبارت حملات پیشنگرانه استفاده می‌شود. دولتی که به حمله پیش‌دستانه روی می‌آورد بر این باور است که حمله دشمن اجتناب‌ناپذیر و فوری است و ازاین‌رو، فرصت اندکی برای جلوگیری از آغاز آن وجود دارد.

دانیل و بستر[۲]در نامه به لرد اشبورتون[۳] برای استفاده از حمله پیش‌دستانه سه شرط زیر را مشخص نمود و توافق شد اقدام پیشگیرانه یا حمله پیشدستانه تنها وقتی مجاز است که: تهدید مستقیم، نبود فرصت مذاکره و نبود هیچ وسیله‌ای به جزء حمله نظامی برای دفاع از خود.(ظریف و آهنی امینه،۴۷:۱۳۹۱) اقدام در زمان مناسب، نیازمند شناخت دقیق خود و مقاصد و انگیزه‌های کشورهای رقیب است. ضربه نخست، حمله پیش‌دستانه و حمله

---

۱. □□□□□□ □□□□□□□□ □□□□□, □□□□□□□ □. □□□□, □□ ۲۲۴.

۲ . Daniel Webster.

۳ .Lord Ashbrton.

پیشگیرانه، با مؤلفه سرعت و زمان هم نشینند و از زمان پیدایش جنگ‌ها، مشغله فکری زمامداران، فرماندهان و تصمیم‌گیرندگان بوده‌اند.(Der Derian;1995:369) در حمله پیش‌دستانه، فوری و قطعی بودن اصل تهدید، نکته محوری است و اقدام به‌موقع، یکی از مؤلفه‌های راهبردی در تصمیم‌گیری‌ها است. بنابراین هدف از این هجوم، محروم کردن حریف از مزایای عامل« غافلگیری» است. (بوفر، ۱۳۶۶: ۱۸۶) با توجه به معنای ذکرشده از اقدام ، تهاجم، حمله پیش‌دستانه و... می‌توان گفت: «تهاجم اطلاعاتی نوعی سیاست مدیریتی ایجابی یا سلبی پویا و فعالیت هجومی زودهنگام است که باهدف کسب منافع مزیت ساز، جلوگیری از غافلگیری راهبردی در مقابل اقدامات تهدیدزا، محروم کردن حریف از مزایای فعالیت علیه اهداف خودی و اعمال فشار بر حریف صورت می‌گیرد».

مبانی نظری

لغت فضا منعکس‌کننده معانی سپهر، فلک، محیط، میدان، عرصه و اجرام آسمانی است.(لغتنامه‌های دهخدا، معین) این معانی درعین‌حال، فرازمانی و فرامکانی حضور در زمان و مکان بودگی و درونی و بیرونی نگری را می‌رساند. بنابراین وقتی سخن از فضا به‌ویژه در حوزه علوم انسانی می‌شود منظور منظومه ذهنی و فکری دارای نمادهای عینی و رفتاری نیز هست. بنابراین با توجه به معانی مذکور در اینجا منظور از فضا صورت ذهنی است که از تعامل عینیت‌ها و شبکه روابط بین پدیده‌ها نزد عامل شناسا حاصل می‌آید. (افتخاری،،۱۳۹۱:۱۵۳-۱۵۲) و «فضا» از منظر گفتمانی در دو گفتمان عرفی گرا و گفتمان اسلامی دارای دو بار معنایی و برداشت متفاوت است. فضا در گفتمان عرفی گرا (متعارف) دربرگیرنده سه تصویر متفاوت در حوزه معرفت‌شناسی است که شامل فضای ذهنی (به‌مثابه صورت ذهنی نزد فاعل شناسا)، صورت عینی (تصویر جسمانی از پدیده‌ها) و فضای ارتباطی (تعامل بین مؤلفه‌های مختلف) است.[1]و فضا در گفتمان توحیدی مکتب اسلام مرکب از سه ساحت تکوین، ساحت فنا و ساحت بقاء است.(افتخاری،۱۳۹۲:۴۲۴-۴۰۱)

---

۱ . به نقل از مرحوم دکتر عماد افروغ. (افروغ،۱۳۷۷:۸-۲)

ازآنجاکه ذهن انسان قابلیت و ظرفیت جستجوگری در طول و عرض و عمق پدیده‌ها را دارد و هم‌زمان علاقه زیادی به کشف، تفسیر و تأویل آن‌ها دارد. این ویژگی‌های جستجوگرانه و تأویل گرایانه ذهن است که مبنای تجربیات و مبدأ اقدامات حال و عبرت آیندگان می‌شود. با این تعبیر فهم جامع‌ومانع عرصه‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه خودی و حریف، می‌تواند هم تسهیل‌کننده و تسریع‌کننده تهاجم اطلاعاتی باشد و هم تا حد زیادی کارآمدی و اثربخشی آن را تضمین نماید. بنابراین برای عینیت‌بخشی به لایه‌های گوناگون تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف، نیازمند ایجاد یک سپهر عمومی و منظومه فکری مشترک از تعامل پدیده‌های عینی تهاجم اطلاعاتی و شبکه روابط میان این پدیده‌ها در گفتمان موردنظر (اعم از مهاجم یا موردتهاجم) هستیم تا با ایجاد این فهم مشترک از پدیده موردتهاجم در غالب صورت ذهنی و همراه با نمادهای عینی امکان همسوی در دیدگاه‌ها و همگرایی در رفتارها فراهم شود. با این اوصاف نهاد و افراد برای تهاجم اطلاعاتی موفق و مؤثر در هدف موردتهاجمی، نیازمند کنکاش فکری و زیستی در جامعه و جغرافیای محیط تعامل و تقابل هستند. در حقیقت نگرش فضا محور در تهاجم اطلاعاتی حداقل دو دستاورد دارد:

اولاً: مرزهای گفتمانی "خود" (فرد یا جامعه مهاجم) و "دگر" (رقیب یا حریف موردتهاجم) را ترسیم، تبیین و تشریح می‌کند.

ثانیاً: زمینه جامع‌نگری در طول، عرض و عمق جامعه و تاریخ مهاجم و هدف موردتهاجم را تسهیل می‌کند و به دارنده آن‌یک نگرش راهبردی می‌دهد.

بررسی ماهیت تهاجم اطلاعاتی

بررسی اسناد و مدارک مکتوب و مضبوط نشان می‌دهد که برای اینکه تهاجم اطلاعاتی به عنوان یک فعالیت مدیریتی قرین به موفقیت شود مهاجم (اعم از افراد و نهاد) نیازمند درک ماهیت تهاجم اطلاعاتی است. مهمترین عوامل شکل دهنده ماهیت تهاجم اطلاعاتی عبارت است:

الف) ادراک جامع و منظومه وار از حریف

اگر فضا را یک تصویر ذهنی (به مثابه صورت ذهنی نزد فاعل شناسا)، صورت عینی (تصویر جسمانی از پدیده ها) و فضای ارتباطی (تعامل بین مؤلفه‌های مختلف)(افروغ،۸:۱۳۷۷-۲) به شکل منظومه شناختی در نظر بگیریم در نگرش جامعه شناختی این منظومه محصول پیوند عناصر سه‌گانه؛ «کنش»، «بازنمایی» و «استفاده» است. به همین دلیل میشل فوکو؛ توسعه دانشِ انضباطیِ فضا و قدرت منجر به مداخلات مهمی در چشم‌اندازهای اجتماعی در کنش مناسبات، فیزیکی و فرآیندهای قدرت و دانش می‌شود و آنها را به هم مشروط و وابسته‌اند. به همین جهت ما نیازمند ساختن فضای اجتماعی و فهم آن هستیم.(ژیلنیتس،۸:۱۳۹۴-۶) با این توصیف نگرش و درک منظومه وار ـ که در برگیرنده فضای ذهنی، عینی و ارتباطی باشد ـ در امور اطلاعاتی به عنوان یک پدیده اجتماعی مرتبط با کنش مناسبات و فرآیندهای قدرت و دانش یکی از مهم‌ترین عوامل تهاجم اطلاعاتی است.

در اینجا منظور از منظومه، شناخت و ادراک ـ ذهنی، عینی و ارتباطی ـ درست و منطقی از مجموعه از گزاره‌های اساسی و بنیادین تا ریزترین عوامل مؤثر در لایه‌های اهداف مورد تهاجم است که جهت‌گیری‌ها و اهداف راهبردی یک نظام سیاسی و یا نهاد حاکمیتی را تعیین و ترسیم می‌کنند. بدهی است که هر نظام سیاسی یا نهاد حاکمیتی برای خود مجموعه از خطوط قرمز دارد که از خواسته‌های و داشته‌های فکری ـ ایدئولوژیکی، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، ساختار سیاسی، عرف اجتماعی و نیازهای اقتصادی آن برمی‌خیزد. مثلاً ایده‌ی توسعه محور، سوداگری، لذت جویی حداکثری و... ازجمله اساسی و بنیادی‌ترین عناصر شکل‌دهنده خواسته‌ها و شکل‌دهنده داشته‌های تمدن غرب در دورن مدرن و پسامدرن است که کلیه مناسبات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و حتی دینی را سازمان‌دهی می‌کند.

با تکیه بر همین منطق منظومه وار است که ایده معنوی تلمودی، تشکیل دولت یهود، مهاجرت به سرزمین موعود و... در دولت عبری به همراه سوداگری مورد تأکید متون مقدس رژیم صهیونیستی در تعاملات و تبادلات آن‌ها تأثیر مستقیم دارد. همچنین ایده های تشکیل خلافت، جهاد، هجرت و... اجزاء اصلی منظومه فکری و ایدئولوژیکی جریان های سلفی، افراطی و تکفیری است.

ب) تشخیص و تعیین محیط امنیتی

تشخیص و تعیین محیط برخورد از طریق تعیین تراز و سطوح برخورد با حریف، به عنوان دومین عامل سازنده ماهیت تهاجم اطلاعاتی است. از منظر لغوی تراز به معنای ابزار تشخیص، سازنده، کارساز، زینت دهنده و معلوم کننده ناهمواری‌ها است.(دهخدا و عمید) منظور از تشخیص محیط امنیتی فهم تراز و تعیین سطوح برخورد در تهاجم اطلاعاتی شناخت عمیق و ادراک منطقی موقعیت و منزلت خودی، حریف و بی‌طرفان در فضای تعامل‌ها و تقابل‌ها است که در کنار تعمیق آگاهی از سازه‌ها و کارکردهای صوری و حقیقی، زمینه درک درست فضای محیطی و فضای ذهنی را برای مجری تهاجم اطلاعاتی فراهم می‌کند. به‌گونه‌ای که به‌محض مواجه با نمادهای عینی تهدید و درک شرایط ذهنی آن، امکان مدیریت اقتضایی مناسب در وضعیت‌های عادی، خطر و بحران را داشته باشند.

تشخیص و ترازیابی جایگاه و موقعیت فرد، جامعه و نظام سیاسی در هر اقدامی باعث عمق بخشی به منطق عقلانی مأمورین از یک‌سو و افزایش سطح انگیزشی آنان در انجام وظایف محوله از سوی دیگر خواهد شد. به‌رغم وجود مشکلات متعدد، امروزه تراز انقلاب اسلامی و نظام اسلامی فراتر از سطوح ملی و منطقه‌ای به مناسبات جهانی تنه می‌زند. این موقعیت علاوه بر فعالیت محور مقاومت در کناره‌های ساحل شرقی دریایی مدیترانه، شامل ایستادگی مردم و کشورهای آمریکای لاتین در کناره غربی اقیانوس اطلس و مردم آفریقا مرکزی در کناره شرقی اقیانوس اطلس می‌شود. به‌گونه‌ای که برخی از فعالان سیاسی و حتی دولت‌ها در دفاع از محور مقاومت و انقلاب اسلامی هزینه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی پرداخت می‌کنند.

علاوه بر شناخت تشخیص تراز، تعیین سطوح برخورد نیز از پیش نیازهای محیط شناسی در تهاجم اطلاعاتی است. سطح به معنای رویه، مساحت، میزان، جنبه، سیاق، پهنا، گستره، عرصه، پهنه، قشر(لغتنامه دهخدا، عمید و معین) سطح برخورد یک اصطلاح رایج در فرهنگ علوم سیاسی و سیاست خارجی در چگونگی مراودات درونی و بیرونی است و در همه کشورها، سطح برخورد نخست در سیاست خارجی با دولت‌ها تعریف‌شده است. اما در نظام مقدس جمهوری اسلامی و بر اساس قانون اساسی، سطح برخورد هم‌زمان دارای ماهیت ایجابی و سلبی است. به همین دلیل خط و مشی اصلی سیاست خارجی

ج.ا.ایران به‌جای دولت، در سطح دولت ـ ملت‌ها دیده است. واقعیت آن است که در شرایط امروز، مصادیق زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد نظام اسلامی الآن در سه سطح در حال رقابت، تقابل و تعارض است. درک این سطوح برای نهادها و عوامل تهاجم اطلاعاتی یک ضرورت و فرصت است. مهم‌ترین سطوح برخورد عبارت است از:

سطح اول. سطح فرا منطقه‌ای: قانون اساسی ج.ا.ایران در اصول ۱۱، ۱۵۲، ۱۵۴، از یک‌سو سطح تعامل نظام را به‌صورت ایجابی به مستضعفان و امت اسلامی معطوف نموده است و از سوی دیگر سطح تعارض و تقابل را به‌صورت سلبی، متوجه تمامی مستکبران و مستبدان عالم کرده است. بنابراین خط و مشی اصلی سیاست خارجی ج.ا.ایران با تکیه‌بر حکمت، مصلحت و عزت بیشتر در غالب دیپلماسی عمومی شامل همه جوامع و آحاد بشر در سطح جهانی محسوب می‌شود. به همین دلیل امروز محور مقاومت و جمهوری اسلامی در میان مردم آمریکای لاتین، آفریقا و... دارای اعتبار و منزلت و حتی پیروان است که حاضرند برای دفاع از آن هزینه پرداخت کنند.

سطح دوم. سطح منطقه‌ای: ایالات متحد در اهداف راهبردی خود به دنبال نظم جدید مبتنی بر ایجاد توازن قوا از طریق رقابت در میان سه ژئوپلیتیک محور محور مقاومت (به رهبری ایران)، سلفی(به رهبری عربستان سعودی) و اخوانی (به رهبری ترکیه) است.(دهشیری و غفوری،۱۳۹۴:۱۷۵ـ ۱۹۰) و قصد دارد با تعمیق رقابت و تعارض بین سه محور مذکور از ایجاد قدرت جدیدِ مبتنی بر مقاومت در منطقه غرب آسیا جلوگیری کند. چراکه تقویت سرپنجه‌های محورِ مقاومت مانند: حزب‌الله، حماس، فاطمیون و... به‌صورت میدانی در سواحل غربی و جنوبی دریایی مدیترانه که در حال مقابله نظامی با جبهه مقابل اعم از محور غربی، عبری و عربی هستند و این شرایط عملاً نشان‌دهنده تغییر معادلات قدرت در منطقه است. بنابراین در هیچ مقطع تاریخی نفوذ و اعتبار ایران و نظام اسلامی در منطقه تا این حد گسترده و عمیق نبوده است.

سطح سوم. سطح ملی: منظور از سطح ملی یعنی سازمان‌ها و نهادها و آحاد جامعه که دارای نقش مؤثر در تأمین و یا تخریب امنیت هستند و مجموعه‌ای از فعالیت‌های مربوط به سیاست عمومی و دولتی را بر عهده‌دارند. این مجموعه‌ها معمولاً شامل؛ ریز سطوح بخشی، ریز سطوح نهادی و... می‌شوند. توجه نهادها و عوامل تهاجمی به زیر سطوح ملی در

تهاجم اطلاعاتی به‌عنوان یک آورده ملی است که از طریق ایجاد بسترهای مناسب برای حمایت ایجابی و سلبی این بخش‌ها، نهادها و افراد در قبل، حین، و بعد از تهاجم اطلاعاتی صورت می‌گیرد. ضمن اینکه توجه به سطح ملی در حقیقت جلوگیری از توانایی تأثیرگذاری حریف بر نفوذ پذیران و تبعیت پذیران خودی در برابر سیاست‌ها و اهداف اعمالی قدرت‌های معارض می‌باشد.

ج) ادراک نظام معرفتی و آیین حکمرانی

سومین عامل مهم در تهاجم اطلاعاتی فهم چارچوب حکمرانی حریف است. منظور از حکمرانی اعمال اقتدار از طریق نهادها و سنن رسمی و غیررسمی برای مصلحت عامه که دارای مراحل انتخاب و جایگزینی دولت‌ها، ظرفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های مناسب و ارائه خدمات دولتی و احترام شهروندان و تعامل اجتماعی و اقتصادی که میان نهادها حاکم است. درواقع موضوع اساسی در حکمرانی، تصمیم‌گیری دراین‌باره است که چه کسی، چه چیزی، چگونه، کجا و چه هنگام به دست آورد.(جاسبی و نفری،۹۵:۱۳۸۸) این حکمرانی دارای شاخص‌های همچون: پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد است.(آرنت و عمان،۱۱:۲۰۰۸) حکمرانی تنها دولت، مدیریت، سیاست و اقتصاد نیست. بلکه سیستمی متشکل از انواع محیط‌ها، نهادها، فعالیت‌ها، کارکردها، برنامه‌ها و اهداف است که در فرایندی تعاملی و پیچیده به حیات خود ادامه می‌دهد.(پیشین:۱۱۲) درمجموع با تکیه‌بر فضای ذهنی و هستی‌شناسی دولت‌ها دو پارادایم حکمرانی قابل‌تفکیک است. اول حکمرانی شایسته و دوم حکمرانی خوب است. که این دو پارادایم ممکن است در برخی شاخص‌ها، از حیث لفظ مانند: پاسخ‌گویی، کارایی و اثربخشی و امثال آن‌یکی باشند، اما مبانی فلسفی این دو نوع حکمرانی متفاوت هستند. حکمرانی خوب مبتنی بر انسان‌محوری، دنیاگرایی و ماده‌گرایی است. ولی حکمرانی شایسته مبتنی بر خدامحوری است، اگرچه به ماده و معنا و دنیا و آخرت ـ هر دو به‌صورت هم‌زمان ـ توجه دارد.(حسینی تاش و واثق،۲۷:۱۳۹۳) با این وجود منظور از فهم چارچوب حکمرانی در تهاجم اطلاعاتی مجموعه‌ای از قواعد و شیوه‌های اعمال اقتدار در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه است که از یک‌سو تحت تأثیر هنجارها و ارزش‌های مقبول و معروف جامعه تعیین و تبیین می‌شود

و از سوی دیگرگونه کنشگران، نوع ساختارها و شکل رفتار سیاسی و امنیتی و حتی اجتماعی و فرهنگی مؤثر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مسئله مورد تهاجم، را ترسیم و تعیین می‌کند.

د) شناخت کنشگران محوری

کنشگری[1]به فعالیت‌های متشکل مختلف در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و یا زیست‌محیطی باهدف ایجاد تعادل و یا جلوگیری از تغییر در این زمینه‌ها، همراه با میل بهبود در جامعه گفته می‌شود. فعالیت‌های مرتبط با کنشگری گستره‌ی وسیع دارند. بنابراین کنشگران ترکیبی هستند از افراد یا کارگزاران فردی یا جمعی مختار یا عامل که می‌تواند پیوسته و یا منفک از دیگر کارگزاران باشند.(قاضی طباطبایی و ودادهیر،۱۳۸۶:۱۳۱)

کنشگری در سطح گسترده، میان خودمانی‌ها،[2] همکاران[3] و غریبه‌ها[4] و از طریق گروه‌های اجتماعی و فرهنگی، تمایز برقرار می‌کنند. همکاران در میان غریبه‌ها و خودمانی‌ها قرار می‌گیرند؛ برای مثال، تعامل با همکاران مؤدبانه‌تر و محترمانه تر از خودمانی‌ها (کسانی که ما آن ها را شناخته شده میدانیم) و حتی غریبه‌ها (که به احتمال زیاد نقش کمرنگی در زندگی ما دارند) است.(قاسمی،۱۳۹۴:۱۷۷) در مجموع با توجه اهمیت کنشگران در معادلات سیاسی و امنیتی می توان از ظرفیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی طیف گسترده ای از کنشگران ـ عرصه های مختلف ـ حوزه حریف برای دستیابی به اهداف و نیازمندی های مورد نظر استفاده نمود که مهمترین آنها عبارت است از:

اندیشکده‌های و مراکز مطالعات راهبردی

اندیشکده‌ها[5]مؤسساتی هستند که به پژوهش، تحلیل و توصیه‌نگاری در مسائل سیاست عمومی[1]و امنیتی در حوزه‌های ملّی و بین‌المللی می‌پردازند. این مؤسسات را می‌توان پل

---

۱. □□□□□□□□

۲.□□□□□□□□□.

۳.□□□□□□□□□□.

۴.□□□□□□□□.

۱. □□□□□ □□□□□

ارتباطی میان حوزه علم و دانش (دانشگاه‌ها) و حوزه قدرت یا مراکز تصمیم‌گیری دانست. اندیشکده‌ها با هدف تأمین پایگاه اطلاعاتی لازم برای تصمیم‌گیری در شرایط پیچیده حاکم بر جهان و نیز برای کمک به تصمیم‌گیران برای اتخاذ تصمیماتی آگاهانه‌تر و مؤثرتر، یافته‌های پژوهشی را به زبانی ساده و قابل فهم برای مخاطبان و سیاست‌گزاران ترجمه می‌کنند.

برخی از اندیشکده‌ها چنان به هسته‌های قدرت و مراکز تصمیم‌گیری نزدیک هستند که شناسایی تحلیل‌ها و رصد دائمی آن‌ها می‌تواند شناخت دقیقی درباره تصمیم‌های آتی دولت‌ها ایجاد نماید. بر اساس آخرین آمار دانشگاه پنسیلوانیا، در سراسر جهان بیش از ۶ هزار و ۸۰۰ مرکز تحقیقاتی و اندیشکده وجود دارد که نزدیک به ۲ هزار مورد از این مراکز و اندیشکده‌ها در آمریکا فعال هستند و در زمره مهم‌ترین، برجسته‌ترین و با نفوذترین مراکز تحقیقاتی در دنیا به شمار می‌آیند. بنابراین امروزه اندیشکده‌ها کنشگرانی فعال و کلیدی در مسائل داخلی و خارجی دولت ها به ویژه دولت آمریکا هستند. به همین دلیل اولین و مهم‌ترین وظیفه این مراکز شکل‌دهی به افکار و اندیشه‌ها و اقدام به انتشار و ترویج آنها در میان تصمیم‌گیرندگان از یک سو و افکار عمومی و توصیه‌نگاری به منظور تأمین پایگاه اطلاعاتی لازم برای تصمیم‌گیری در شرایط پیچیده حاکم بر جهان از سوی دیگر است. با این وجود تمرکز بر اندیشکده ها و مراکز مطالعاتی امنیتی و سیاسی به عنوان اهداف مهم تهاجمی به منزله دستیابی به مبدأ تصمیم‌سازی سیاسی ـ امنیتی محسوب می‌شود. چرا که این نهادها در حقیقت هادیان اصلی تصمیمات ضد امنیتی بر علیه جامعه خودی محسوب می‌شوند.

شناخت هسته های طرح ریزی

ریشه کلمه هسته طرح ریزی از کلمه لاتین "cor" به معنای قلب است، بنابراین گروه هسته طرح ریزی یا سیاستگذار، قلب حقیقی سازمان محسوب می‌شود. و طرح‌ریزی یعنی به وسیله‌ای برای زیر نفوذ قرار دادن رویدادها و پیشامدهای آینده دستیابی پیدا کنیم.(لطفیان، ۱۳۷۶: ۱۲۸) بنابراین تمرکز بر هسته اصلی و تمام فرآیندی که از آماده کردن

---

۲. □□□□□□ □□□□□□.

یک برنامه (مجموعه‌ای از امکانات ویژه و گزینش وسایلی چند براساس استدلال و انتظام و به منظور نیل به یک هدف یا اجرای یک طرح) آغاز می‌شود و با اجرا و به کار انداختن عملی وسایل برای تحقق آن ادامه پیدا می‌کند، به منزله ورد به کانون مولد یک موسسه یا نهاد یا کشور است.

هسته مرکزی طرح‌ریزی در نهادهای مورد نظر کانون و قلب اصلی و مرکزی نهادهای اطلاعاتی را برعهده دارند که مسئولیت فرآیندی عقلانی تعیین اهداف مطلوب، نقشه راه، پیش‌بینی راه‌های رسیدن به اهداف، تعیین منابع و ابزارهای لازم و ایجاد هماهنگی در فعالیت‌ها را تنظیم می‌کنند. بنابراین در تهاجم اطلاعاتی تشخیص قلب تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و مورد هجوم قراردادنِ هسته مرکزی نهادهای اطلاعاتی یک اصل مهم و مقدمه فعالیت‌های تهاجمی است.

شناخت شبکه همکاران امنیتی

شبکه همکاران معمولا یک پلتفرم جمع‌سپاری برای اهداف خیریه، عام‌المنفعه و گروه‌سپاری برای گروه‌های کوچک دوستانه است. واقعیت آن است که در عرصه مورد نظر در تهاجم اطلاعاتی، بسیاری از کشورهای همسو و هم پیمان و دارای اشتراک منافع در یک پیمان رسمی و یا حتی نانوشته و غیررسمی به ویژه در مورد رقیبان هستند و برای خود فرآیند تعامل ماموران انسانی و شبکه تبادل داده ها طراحی نموده اند. این موضوع در کشورهای شکل دهنده جبهه مشترک در برابر حریف معلوم، سازمان های امنیتی جهانی منطقه ای مثل ناتو، نهادهای امنیتی منطقه ای مثل اتحادیه اروپا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و یا کشورهای در حال مبارزه با پدیده‌های ناامنی ساز مثل محور یک پدیده مثبت و مؤثر محسوب می‌شود. بنابراین شناخت جنس و ترکیب همپیمانان و همراهان منطقه‌ای اعم اهدف موردتهاجم و یا مجموعه کشورها همسو در تهاجم برای تهاجم اطلاعاتی در هدف یک ضرورت است.

شناخت محافل ذی نفوذ

محافل ذی نفوذ کانون های لابی سازی و عمل لابی گری[1]از جمله مهمترین مراکز سیاسی و امنیتی اعمال فشار محسوس و نامحسوس برای تأثیر گذار بر آراء تصمیم گیران نهادهای دولتی به ویژه در غرب هستند. در علوم سیاسی، به ذنفوذ مبتنی بر لابی‌گری یک عمل و حرفه ویژه است. در یک تعریف کلی، گروه‌های ذی نفوذ یا لابی به آن دسته از گروه‌هایی گفته می‌شود که برای تأثیرگذاری بر روند تصمیم گیری‌های سیاسی ـ اجتماعی و تامین منافع خاص خود عمل می‌کنند. گروه های ذی نفوذ اغلب به گروه‌های فشار عمل می کنند و بدنبال تأثیرگذاری بردولتمردان و روند تصیم‌گیری هستند (آشوری،۱۳۹۴:۲۷۷) .بررسی جامعه شناختی این گروه ها و شناخت اهداف و عملکرد آنها می‌تواند تصویر روشن و شفافی از سیاست‌های اعلامی و اقدامی هر کشوری که توسط نخبگان آنها را تنظیم می‌شود را تعیین نماید. ایالات متحده آمریکا به عنوان مدعی ابرقدرت جهانی با توانایی‌های بالقوه سیاسی، اقتصادی و صنعتی در دنیا می‌تواند پایگاه مناسبی برای هر گروه جهت نفوذ و اعمال سیاست‌های خود در چنین ساختاری باشد. لابی صهیونیست (ایپک) از جمله گروه متنفذ و قدرتمندی که از سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در ساختار سیاسی اقتصادی و اجتماعی آمریکا ریشه دوانیده و تلاش دارد تا سیاست‌های ایالات متحده را در راستای اهداف صهیونیستی خود به پیش برد. گروه‌های لابی از راه‌های گوناگون نظیر رشوه دادن، اعمال فشار، تهدید و تطمیع، می‌کوشند به اهداف خود دست یابند. در حقیقت شناسایی و چگونگی و میزان تأثیرپذیری جامعه هدف از لابی‌ها و بررسی راهای تأثیرگذاری بر این لابی‌ها در جهت‌دهی به ذهنیت مهاجم و هدف تهاجمی (اعم از فرد، نهاد یا جامعه) امری لازم و مقدمه مهم برای تهاجم اطلاعاتی در محیط امنیتی حریف است.

سازمان های مردم نهاد

---

۱. □□□□□□□□.

سازمان‌های مردم نهاد (سمن) یک پدیده مدرن است پیشنهاد فرهنگستان زبان فارسی است که معادل واژۀ (NGO)[1]ترجمه سازمان غیردولتی شده است و به سازمان هایی اتلاق می‌شود که توسط مردم و برای چاره اندیشی در خصوص مشکل جمعی تأسیس می شود. سمن ها به منظور ایجاد شناخت اقدام به جمع آوری اطلاعات گسترده‌ای در حوزه مورد نظر می‌کنند. بخشی از این اطلاعات، شمال ویژگی‌هایی می‌شود که یک سازمان مردم نهاد باید از آن برخوردار باشد.(رفیعی و همکاران،۱۳۹۲:۳۴۸) بنابراین سمن‌ها مجموعه‌ای از نهادهای با شخصیت حقوقی مستقل است که برای انجام فعالیت داوطلبانه با گرایش فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و بشردوستانه فعالیت می‌کند. ویژگی سازمان های مردم نهاد در غیردولتی بودن، غیرانتفاعی بودن، تمایل به استقلال داشتن و خودجوشی و نیاز طبیعی (شرایط فکری، محیطی، انگیزش‌ها، خصوصیت‌ها و آرمان‌های مشترک افراد و جامعه) و غیرسیاسی بودن آنها است. بنابراین تأثیرگذاری بر این سمن ها به عنوان یک هدف مهم در تهاجم اطلاعاتی، به معنای استفاده از ظرفیت کم هزینه و پرفایده نهادهای مردکی و غیردولتی در اهداف است که برای ایجاد فشار بر ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جامعه هدف موردتهاجم و پشتیبانی از نهاد و یا نظام خودی مهاجم به ویژه در شرایط بحرانی و در تهاجم اطلاعاتی محسوب می‌شود.

شناخت شاکله حکمرانی امنیتی حریف

منظور از شاکله شناسی، درک سازه های شکل دهنده ساختار حرف هدف تهاجم اطلاعاتی است که مفاصل یا لایه های اصلی و فرعی محیط مورد تهاجم را می سازد. محقق براساس فرآیند توصیفی ـ تحلیلی و با تکیه بر نگرش «منظومه اطلاعاتی»، تدبیر تهاجم اطلاعاتی را حوزه حریف را منوط به ادراک اجزاء یا سطوح پنج گانه شکل دهنده هئیت و ساختار جامعه سیاسی ـ امنیتی حریف می داند. با این اوصاف پنج سطح اصلی تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف را به شرح زیر معرفی نمود:

۱.لایه ایده شناسی حریف

۱.□□□-□□□□□□□□□□□□ □□□□□□□□□□□□□.

اولین لایه از منظومه اطلاعاتی که مقدمه و پیش‌نیاز هرگونه اقدام در تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف است سطح ایده شناسی اطلاعاتی ـ امنیتی است. از منظر لغوی ایده به‌عنوان یک اثر ذهنی به معنای اندیشه، فکر، عقیده و... (فرهنگ معین و عمید) زمینه‌ساز تولید ایدئولوژی محسوب می‌شود و ایدئولوژی به مجموعه‌ای از باورها و ایده‌ها گفته می‌شود که به‌عنوان مرجعِ توجیهِ اعمال، رفتار و انتظاراتِ افراد عمل می‌کند. ایدئولوژی با بازنمایی واقعیت به‌جای خود واقعیت رابطه خیالی افراد با رابطه واقعی را که در آن به سر می‌برند تأسیس می‌کند.(Altusser, 1995: 120-۱۲۵)

رفتار و ساختار آینه عینی از ایده های ذهنی و بایدها و نبایدهای ایدئولوژیکی است و ایده‌ها مجموعه از گزاره‌های اساسی و بنیادین هستند که جهت‌گیری‌ها و اهداف راهبردی یک نظام سیاسی را تعیین می‌کنند. بنابراین شناخت شالوده‌ها و مفصل‌بندی ایده‌ها به معنی فهم علت انجام یک عمل عینی است و چنبره ایده‌ها بر سوژه‌ها (افراد) یکی از مهم‌ترین کارکردهای این لایه است. لذا یکی از اولین گام‌های در هر تهاجم اطلاعاتی، اولویت تشخیص ایده‌ها بر سوژه‌ها است. بدهی است که هر نظام سیاسی و امنیتی با مجموعه‌ای از ایده‌ها که به‌صورت لایه‌های پوست‌پیازی بر روی همدیگر قرارگرفته‌اند، هویت و اعتبار پیدا می کند. بنابراین عمق بخشی به درک درست از سطوح و لایه‌های شکل دهنده ماهیت سیاسی و امنیتی یک نظام سیاسی، امکان فهم اهداف، سیاست‌ها، خط و مشی‌های حریفان هدف تهاجم اطلاعاتی را تسهیل خواهد نمود. مثلاً ایده‌ی «توسعه محور با منفعت‌جویی حداکثری» یکی از مهم‌ترین لایه‌های «پاردایم ذهنی لیبرال دموکراسی» در غرب و ایده «رؤیای آمریکا» به عنوان زیرساخت شکل دهنده «جامعه آمریکایی برتر و قوی تر» محسوب می‌شود.

۲. لایه محیط شناسی حریف

دومین لایه از منظومه اطلاعاتی به عنوان مقدمه تهاجم اطلاعات، ادراک شرایط و ساختار ژئوپلیتیکی هدف تهاجم اطلاعاتی است. فهم درست و مناسب از فضای درهم آمیخته قدرت، سیاست و جغرافیای آماج تهاجم یک مؤلفه اساسی قبل از تهاجم برای امکان ایجاد رخنه در ساختار سیاسی ـ امنیتی حریف و امکان خروج از بحران‌های امنیتی

شناخته‌شده و یا ناشناخته از یک‌سو و زمینه‌سازی و بسترسازی برای فعالیت‌های نیازمند مقاومت و پایداری در هدف تهاجم از سوی دیگر است.

ازآنجا که لایه ژئوپلیتیکی دربرگیرنده چارچوب جغرافیایی است و جغرافیا یکی از مهم‌ترین کانون‌های تنازع بقاء نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود و جغرافیا از طریق پیوند باقدرت و سیاست دانش مهم ژئوپلیتیک را پایه‌گذاری نموده است و دانش ژئوپلیتیک (ارتباط جغرافیا، قدرت و سیاست) دو قرن اخیر به‌عنوان ریشه اندیشه استعماری و مبنای اقدام استعمارگران بوده است.(اتوتایل و همکاران،۲۷:۱۳۸۷) بنابراین شناخت سطح ژئوپلیتیکی به معنای فهم یکی از لایه‌های مهم منظومه اطلاعاتی برای تهاجم اطلاعاتی تهاجمی محسوب می‌شود.

۳. لایه ساختارشناسی حریف

سومین سطح در تهاجم اطلاعاتی در لایه نظام شناسی است. یک نهاد اطلاعاتی فعال در حوزه حریف بدون ایجاد شناخت کافی و وافی از کلیت نظام و ساختار تصمیم سازی و تصمیم گیری، به‌ویژه ساخت سیاسی حوزه موردتهاجم و زیر ساختارها و ریزساختارهای آن نمی‌تواند و نمی‌باید هیچ تهاجم اطلاعاتی را برنامه‌ریزی کند. به تعبیر دیگر در هر امر سیاسی (اعم از فعالیت تهاجمی سازمان‌های منتسب به ارکان سیاسی) اولویت در فهم ساختار و عمل اجتماعی یک پدیده و مفصل‌بندی‌های خاص آن پدیده است. مدعای این دیدگاه آن است که حتی روابط اجتماعی و ساخت سیاسی دارای مفصل‌بندی خاص و بارویکرد و انگاره منحصربه‌فرد هستند. بنابراین ساخت و پیوست‌های مترتب با آن در جامعه به‌طور ماهوی با عناصر قدرت (عمل سیاسی) پیوند می‌خورد.(ربانی خوارسگانی و محمد میرزایی،۴۲:۱۳۹۳) با این وجود مأموریت تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف بدون فهم ساخت سیاسی و مفصل‌بندی‌های آن امکان اقدام مناسب عملی و متناسب با اهداف مورد تهاجم را نخواهد یافت. با توجه به این منطق می‌توان در مفصل‌بندی شاکله ساختار و نظام سیاسی حریفان دو زیر ساختار اصلی را معرفی کرد که هر یک از آن‌ها، زیر ساختارهای و زیر نظام متنوع و متکثری وجود دارد. اولین زیر ساختار مهم، زیر نظام تصمیم سازی و دومین آن زیرساخت یا زیر نظام تصمیم‌گیری حریف است. در این میان اولویت برای تهاجم اطلاعاتی تمرکز بر کانونی‌ترین زیرساخت یعنی نظام تصمیم سازی

به‌عنوان مرکز ثقل و پاشنه آشیل حریف است. نظام تصمیم سازی در کشورهای مختلف متنوع و متفاوت است. به‌عنوان‌مثال در نظام ایالات‌متحده حداقل دو زیر ساختار تصمیم سازی وجود دارد که عبارت است از:

یکم. زیر ساختار فکری و اندیشه‌ای (اندیشکده‌ها و مراکز مطالعاتی):

در بسیاری از کشورهای حریف یا رقیبِ جمهوری اسلامی، ایجاد تمرکز بر دانش و علم برآمده از مطالعات زیر ساختارهای فکری و اندیشه‌ای مبنای اعمال قدرت آنان است. این زیر ساختار مجموعه‌ای از اندیشکده‌ها و مراکز مطالعات راهبردی را دربرمی گیرد که متکفل تعیین دکترین، اهداف و سیاست‌های راهبردی کشورهای مورد هدف تهاجمی ازجمله ایالات‌متحده آمریکا هستند. کنشگر تهاجمی بایستی قبل از هر اقدامی تهاجمی این مجموع ساختار تصمیم‌گیری و تصمیم سازی و نقش‌آفرینان اصلی و حاشیه‌ای آن را شناسایی و فهم نماید. برخی از مهم‌ترین اندیشکده و مراکز راهبردی در ایالات‌متحده عبارت‌اند از: شورای روابط خارجی، مرکز رند، مؤسسه آلبرت انیشتین، بنیاد ملی دموکراسی، مؤسسه ملی جمهوری‌خواه، مؤسسه ملی دموکراتیک، خانه آزادی، مرکز بین‌المللی برای مناقشات غیر خشن و...(گولینگر،۱۳۸۹:۶۰) در این میان CSIS مرکز مطالعات بین‌المللی که به‌صورت مشترک زیر نظر وزارت دفاع و سازمان سیا اداره می‌شود. این مراکز مهم‌ترین کانون‌های پیشنهاددهنده تدابیر ضد امنیتی علیه نظام اسلامی و سایر اعضای مقاومت هستند.

دوم. زیر ساختار تعاملی و ارتباطی (لابی سازی و لابی‌گری):

این زیر ساختار مجموعه‌ای از مؤسسات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی را دربرمی گیرد که نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر جهت‌گیری‌ها و جابجایی اولویت‌های سیاست‌های اعمالی کشورهای حریف دارند. این تدابیر در ایالات‌متحده و برخی از کشورهای مهم غربی را از طریق لابی سازی و لابی‌گری تعیین می‌شود. برخی از مشهورترین و مهم‌ترین لابی‌های فعال در پارادایم لیبرال دموکراسی عبارت‌اند از: لابی‌های بیمه و نظام بانکی، لابی صهیونیستی (ای پک)، لابی رسانه‌ها، لابی ارامنه و لابی شرکت‌های صنعتی (مانند: اسلحه‌سازی و هالیوود).

۴. لایه کنشگرشناسی حریف

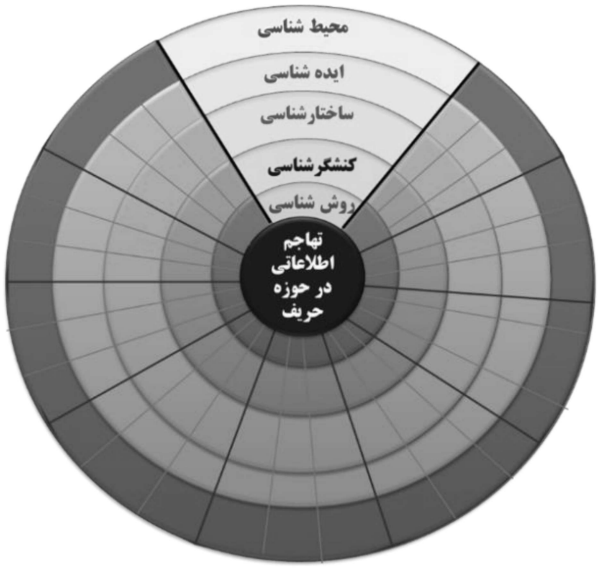
چهارمین لایه از لایه‌های تهاجم اطلاعاتی درک ماهیت و نقش کنشگران اصلی و حاشیه‌ای و تأثیر کنشگری آنان بر مأموریت است. اقدام در حوزه حریف در لایه کنشگران با دو گونه کنش گران مهاجم و کنش گران هدف مواجه هستیم. منظور از کنشگران مهاجم کنشگران خودی است که قصد دارند به‌عنوان یک نیروی مهاجم در ژئوپلیتیک تحت سیطره حریف یا حوزه نفوذ حریف اقدام به فعالیت تهاجمی و در راستای اهداف تعیین‌شده نمایند. و منظور از کنشگران هدف، کنشگران مورد هجوم در محیط جغرافیایی حریف است که به‌عنوان سرمایه‌های انسانی دارای اعتبار بوده و حجم قابل‌توجهی از محتوای همراه با تحلیل مورد نیاز مهاجم را به‌صورت ضمنی و پنهان در اندیشه و تجربه ذخیره نموده‌اند که معمولاً در هنگام تعامل چهره به چهره در رفتارشان داشته‌های خود را بروز و ظهور می‌دهند و به همین دلیل این کنشگران یک هدف ویژه در تهاجم اطلاعاتی محسوب می‌شوند.

۵. روش شناسی تهاجم اطلاعاتی

پنجمین لایه از لایه‌های تهاجم اطلاعاتی شناخت درست و به‌کارگیری روش‌های تهاجم در حوزه حریف است. روش از منظر لغوی طرز انجام دادن کاری، شیوه و حرکت کردن (لغتنامه عمید) و در ادبیات عرب «منهج» گفته می‌شود. واژه‌ی «روش» در ادبیات علمی «متد» است که از واژه‌ی یونانی «متل» به معنای «در طول» و «اودوس» یعنی «راه»، گرفته‌شده و مفهوم آن در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف و مقصودی بانظم و توالی خاص است.(کاظمی،۲۸,۲۹:۱۳۷۴) در علوم اجتماعی روش عبارت است از فرایند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دستیابی به شناخت و یا توصیف واقعیت. روش ممکن است به مجموعه راه‌هایی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند، و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند، اطلاق شود.(ساروخانی،۲۴:۱۳۷۵) با این اوصاف اصطلاح روش، هم به خود راه اشاره دارد و هم به قواعد و ابزارهای رسیدن به آن ارجاع می‌دهد. بنابراین روش استفاده از مجموعه قواعد، راهکارها، روال‌ها، فنون و مهارت‌ها در حین انجام امور محوله است که به فراخور زمان و مکان می‌توان از آن‌ها برای دستیابی آسان و عقلانی و تا حدودی تضمین‌شده به اهداف استفاده نمود. روش با تکیه‌بر عواملی

همچون کنجکاوی و علاقه شخصی، مواجهه با مشکلات، تجارب شخصی، بهره‌گیری از منابع مکتوب و شفاهی و... درک می‌شود و تحت تأثیر دو فرایند رسمی (قواعد و تصمیمات دیکته شده) و غیررسمی (دانش ذهنی و مهارت‌های تجربی و عینی) قرار دارد.

در مجموع حوزه حریف مورد تهاجم اطلاعاتی دارای لایه های پنج گانه ایده شناسی، محیط شناسی، ساختار شناسی، کنشگر شناسی و روش شناسی است. که لایه های پنج گانه در، مدل مفهومی شماره ـ ۱ به تصویر کشیده شده است.



تصویر شماره ـ۱: ریخت شناسی تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف

تعیین نقاط آماج تهاجم در حوزه حریف

منظور از نقاط آماج در تهاجم اطلاعاتی شناخت مجموعه‌ها، نهادها و جریان‌های است که به صورت بالفعل یا بالقوه دارای ظرفیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی هستند که تأمین کننده نیازهای تهاجمی نهاد و یا عناصر مهاجم در حوزه حریف هستند. مهمترین نقاط آماج که بایستی در اقدام کننده در خصوص آنها تدبیر نماید عبارتند از:

ساختارهای تصمیم‌سازی

منظور از تصمیم‌سازی به عنوان یک فرآیند ادراکی، ایجاد شرایط و فراهم نمودن زمینه مناسب برای تصمیم‌گیری است. به تعبیر دیگر تصمیم‌سازی یعنی زمینه‌سازی تولید اطلاعات و دانش مناسب برای تصمیم گیری درست بر اساس تشخیص صحیح مسائل موجود است. بنابراین فراهم نمودن زمینه مناسب برای تشخیص درست مسأله و تهیه و

تنظیم اطلاعات و سازماندهی شرایط برای استفاده صحیح از اطلاعات را تصیم‌سازی گویند. با این اوصاف تصمیم‌سازی به فرایندهای ذهنی ـ شناختی گفته می‌شود که به انتخاب یک اقدام در میان اقدامات جایگزین کمک می‌کند. پیشنهاد تصمیم‌سازان می تواند دو نوع تجویزی و توصیفی باشد.(www.hbs.edu) در عرصه‌های سیاسی و امنیتی امروزه یکی از ارکان مهم، ساختارهای ناپیدا و حاشیه‌ای که نقش تعیین کننده‌ای در زمینه‌سازی دارند و مجموعه از فعالیت‌های جمع‌آوری و تحلیل داده های مورد نیاز برای تصمیم های گوناگون و ساختارهای تصمیم ساز را مهیا می‌کنند که اغلب در شکل مراکز مطالعاتی و اندیشده‌های راهبردی و نهادها و مراکز مشابه سازماندهی و ساماندهی شده‌اند. این ساختارها پیش درآمدی بر تصمیم گیری محسوب می شوند.

۱. ساختارهای تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری عبارتست از یک انتخاب از میان چند بدیل جهت رسیدن به هدف حل مسأله است. بنابراین تصمیم‌گیری عکس العملی نسبت به یک مشکل است. آگاهی از این که مشکلی وجود دارد و این که باید تصمیمی گرفته شود، یک مساله ادراکی است. علاوه برآن، در هر تصمیمی، برداشت تصمیم گیرنده در تفسیر و ارزیابی اطلاعات اثر دارد. تصمیم گیری بدون وجود اطلاعات و برقراری ارتباطات لازم میسر نیست. بنابراین تصمیم‌گیری پیامد تصمیم‌سازی است. درواقع، اساس اجرای چنین وظیفه‌ای استفاده درست و به جا از داده‌های ساختار تصمیم‌سازی برای مدیریت است.

اطمینان نداشتن به آینده و فقدان اطلاعات مربوط به وقایع جاری، مدیر را مجبور می‌کند که به دنبال اطلاعات و برقراری ارتباطات رسمی یا غیررسمی برود. اطلاعات همان داده های پردازش شده است که از طریق نظم ارتباطی خود در روند صحیح تامین اطلاعات، اطمینان مدیریت در تصمیم گیران را افزایش می دهد. تغییرات سریع عوامل برون سازمانی، توسعه سازمان ها و پیچیدگی نظام های مدیریت نیاز مدیران را به اطلاعات افزایش داده است. بنابراین تصمیم گیری یک انتخاب از میان چند بدیل، جهت رسیدن به هدف حل مسأله است. به عنوان نمونه اخیرا در رسانه ها (دیوید ایگناتوس ستون نویس واشنگتون پست) مطرح شد که: پومپئو «رئیس سازمان سیا» یک عملگرا است. او ریسک پذیر است و می خواهد سازمان سیا هم در جمع آوری اطلاعات و هم در استفاده از

«عملیات های مخفی علیه اهدافی چون ایران و کره شمالی تهاجمی عمل کند». این رویکرد تهاجمی رئیس سیا در اظهاراتش اخیرش در اجلاس امنیتی موسسه آسپِن و در اظهارات عمومی اش در شش ماه گذشته مشخص بوده است.(tabyincenter.ir) بنابراین این سازمان تصمیم‌گیر به صورت بلقوه از طریق دستیابی به اطلاعات و دانش مترتب بر آن از اطلاعات تأثیرپذیری دارد.

۲. میلیشیاهای درونی (طبقه متوسط)

در کشورهای غربی به شبه نظامیان «میلیشیا» می‌گویند. اصطلاح میلیشیا را در معانی متعدد به‌کار برده‌اند. به عنوان نمونه: به افرادی که به صورت پاره‌وقت و یا در زمان نیاز به آن‌ها، با یک سازمان نظامی همکاری می‌کنند، میلیشیا گفته می‌شود(Adams;1823) و اغلب از شهروندان عادی تشکیل شده باشند.(The American Heritage;2000) در اصلاح عمومی به مجموعه از نارضیان، و معترضان طبقه متوسط و عادی جامعه و دارای رویکرد تهاجمی (نظامی، شبه نظامی و غیرنظامی) که به دنبال تغییر وضع موجود هستند ملیشیا می‌گویند. این میلیشاها اهداف متعدد دفاعی، مساعدت، هماهنگی، مطالبه گرانه و... را دنبال می‌کنند. بنابراین بر این ملیشیاهای درونی طبقه متوسط دارای ظرفیت بلقوه جهت همکاری با نهاد و عناصر مهاجم هستند.

۳. مهاجرین و رنگین پوستان

تعارض میان مهاجرین، رنگین پوستان و سیاهان که از ابتدای تشکیل تمدن غرب، به عنوان نیروی کار تحت فرمان و فرمانبر و فاقد اصالت تمدنی شناخته می‌شدند و نحوه تقابل با آنها یکی از نقاط پرآشوب و تاریک جامعه غرب به ویژه آمریکا طی دو قرن اخیر است. این وضعیت به گونه ای است که در قرن ۱۹ و ۲۰ و در رقابت های دو حزب بزرگ سیاسی، همواره حزب دموکرات به عنوان مدافع حقوق رنگین پوستان و حزب جمهوری خواه به عنوان مخالف تجلی می‌یافت(fa.wikipedia.org).

هم اکنون طبق اعلام مرکز ملی آمار آمریکا، ۱۴,۲٪ از جمعیت ۳۱۳,۹ میلیون نفری آمریکا را، سیاه پوستان و دورگه‌ها تشکیل می‌دهند. از میان تعداد جمعیت سیاه پوست، بیشترین آنها در منطقه‌ی کلمبیا (۵۲٪)، می سی سی پی (۳۸٪) و لویزیانا (۳۳٪) ساکن

هستند. از سال ۱۹۹۰ به جمعیت سیاه پوستان در مناطق مختلف آمریکا افزوده شد و در برخی نقاط باعث تغییر در ترکیب جمعیتی بعضی مناطق این کشور شده است.

تبعیض همچنان یک مسأله اصلی در جامعه غرب و به ویژه آمریکا است. در بعد اجتماعی، تبعیض ها نسبت به سیاهان بیشتر قابل رویت است. طبق اعلام مراکز آماری در ایالات متحده، ٪۱۱,۸ مردم این کشور زیر خط فقر هستند که این آمار برای سیاه پوستان٪۲۸,۱ است. و در بعد امنیتی و پلیسی مسأله حادتر است. آمارها حاکی از آن است که از هر پانزده مرد سیاه‌پوست یک نفر زندانی می‌شود که این رقم برای سفید پوستان ۱ به ۱۰۶ است. بر اساس آمار قضائی آمریکا از هر سه سیاه‌پوست یک نفر احتمال دارد که در طول عمرش به زندان برود. همچنین خشونت پلیس نسبت به سیاهان چهار برابر بیشتر از سفید پوستان است. تعداد زنان سیاه پوست نیز که روانه ی زندان می شوند سه برابر سفید پوستان است.(didban.ir) بنابراین مهاجرین و رنگین پوستان به دلیل حایشه نشینی در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارای انگیزه های بسیار خوبی جهت همکاری با نهاد و عناصر مهاجم هستند.

۴. الزامات راهبردی در تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف

الزام از منظر لغوی به معنای ناچار، ناگزیر، وادار، واجب کردن، لازم گردانیدن(لغتنامه دهخدا) و منظور از راهبرد هنر ایجاد سازگاری، تعامل و هم‌افزایی بین عوامل و منابع مختلف درونی و بیرونی با حفظ ویژگی درون‌نگری، آینده‌نگری و انعطاف‌پذیری در راستای آرمان‌ها و منافع حیاتی می‌داند.(مینزبرگ،۴۵:۱۳۶۷) بنبراین الزامات راهبردی تهاجم اطلاعاتی عبارت است از: مجموعه تدابیر و سازوکارهای کلان با تأثیرگذار فراگیر، جامع، آینده نگر و هم افزا که قبل از هر تهاجم اطلاعاتی به منظور دستیابی به منافع و اهداف یا خنثی سازی اقدامات تقابلی حریف صورت می گیرد.

با توجه به تعریف ارائه شده از الزامات راهبردی در تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف می توان گفت به تبیین صورت گرفته تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف از منظر ماهیتی نیازمند نگرش منظومه وار است و هم زمان یک اقدام اقتضایی هم محسوب می شود. مقدمه هر تهاجم اطلاعاتی برخورداری از نگرش منظومه وار، تشخیص تراز و سطوح برخورد، فهم چارچوب حکم رانی و تمرکز بر کنشگران مؤثر حریف است. و هر گونه

تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف بدون شناخت لایه های پنج گانه محیط شناسی، ایده شناسی، ساختارشناسی، کنش گران و روش ها اقدامی همراه با پریشانی در فهم و ابتر در عمل خواهد بود و شناخت عمق شناخت نهاد یا عناصر تهاجمی خودی در مورد این لایه ها می تواند دستاوردهای کم نظیر را برای نهادهای تهاجمی خودی به ارمغان آورد.

اگر بپذیریم که با تکیه بر نگرش فضامحور هرگونه تهاجم اطلاعاتی بدون درک الگوی جامع از فضای ذهنی و عینی مورد تهاجمی (اعم از تفکر، عمل و سازه) عملا منجر به شکست طرح ها در ابتدایی ترین مراحل تهاجم اطلاعاتی خواهد شد، بنابراین تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف نیازمند چند الزام راهبردی زیر است:

الزام اول. ادراک ماهیت بینشی: منظور از ادراک الگوی بینشی، شناخت منطقی و مستدل از فضای فکری ـ ایدئولوژیکی کشور، نهاد و یا افراد مورد تهاجم است. بنابراین الگوی بینشی به عنوان زیرساخت نظری فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصاد، سیاسی و امنیتی حریف محسوب می شود.

الزام دوم. ادراک ماهیت کنشی: در کنار شناخت منطق نظری ـ بینشی، درک نمادها و نشانه های رفتاری از یک سو و شیوه ها و روش های اقدام و پاسخگویی حریف از سوی دیگر جزء الزامات راهبردی تهاجم اطلاعاتی محسوب می شود.

الزام سوم. ادراک سازه ساختاری: منظور از ادراک سازه ساختاری (هیئت ـ شکل)، شناخت جامع و مانع ساختار، سازمان و فرهنگ نهادهای اجتماعی، سیاسی و امنیتی محیط موردتهاجم است. در حقیقت شناخت سامانه های مدیریتی و ساختارهای نهادی، امکان هدف گذاری دقیق و کم هزینه و پربازده را برای اقدام کننده را تسهیل می‌کند. که در مجموعه روندشناسی تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف در تصویر شماره ـ۲ ارائه شده است.

در مجموع الزامات راهبردی تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف از تدابیر راهبردی زیر است:

تدبیر راهبردی اول. ماهیت شناسی تهاجم اطلاعاتی است که در بر گیرنده؛ برخورداری از نگرش منظومه وار، تشخیص تراز و سطوح برخورد، فهم چارچوب حکمرانی و تمرکز بر کنشگران مؤثر حریف است.

تدبیر راهبردی دوم. ریخت شناسی تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف است که در برگیرنده پنج لایه اصلی است. این پنج لایه عبارت است؛ ساختارشناسی، ایده شناسی، محیط شناسی، شناخت کنشگران و شناخت روش ها است.

تدبیر راهبردی سوم. تمرکز بر مهمترین کانون های مورد تهاجم (نقاط آماج) یعنی؛ ساختار تصمیم گیری، ساختار تصمیم سازی، ملیشیاهای درونی (طبقه متوسط) و مهاجرین و رنگین پوستان در جامعه مورد هدف عملیاتی خواهد شد.

در مجموع دستاورد نهایی تدابیر صورت گرفته در صورتی با موفقیت قرین خواهد شد که سه الزام راهبری ادراک ماهیت بینشی (فکری ـ نظری) به معنای شناخت منطقی و مستدل از فضای فکری ـ ایدئولوژیکی کشور، نهاد و یا افراد موردتهاجم، ادراک شیوه کنشی (رفتاری ـ عملی) به معنای شناخت نشانه های رفتاری از یک سو و شیوه ها و روش های اقدام و پاسخگویی حریف و ادراک سازه ساختاری (هیئت ـ شکل) حریف به معنای شناخت جامع و مانع ساختار، سازمان و فرهنگ نهادهای اجتماعی، سیاسی و امنیتی در محیط مورد تهاجم به درستی مورد توجه قرار گیرد.

فرآیندی که در مجموع در مدل مفهومی تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف در مدل شماره ـ۲ زیر به تصویر کشیده شده است.



تصویر شماره ـ ۲: مدل مفهومی تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف

نتیجه گیری و توصیه های راهبردی

تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف یک فرایند مدیریتی است که از سه تدبیر راهبردی و سه الزام راهبردی تشکیل شده است. تدبیر راهبردی ماهیت شناسی که از طریق برخورداری از نگرش منظومه وار، تشخیص تراز و سطوح برخورد، فهم چارچوب حکمرانی و تمرکز بر کنشگران مؤثر حریف عملیاتی می‌شود. ریخت شناسی دومین تدبیر راهبردی است که از طریق محیط شناسی، ایده شناسی، ساختارشناسی، شناخت کنشگرشناسی و روش شناسی به عنوان پنج لایه اصلی عملیاتی می‌شود. و تدبیر راهبردی سوم تمرکز بر مهمترین کانون های مورد تهاجم (نقاط آماج) حریف است که از طریق توجه به ساختار تصمیم گیری، ساختار تصمیم سازی، میلیشیاهای درونی (طبقه متوسط) و مهاجرین و رنگین پوستان در جامعه مورد هدف عملیاتی می‌شود.

آخرین مرحله تهاجم اطلاعاتی در حوزه که تضمین کننده موفقیت اقدام‌های سه گانه قبلی است توجه به سه الزام راهبری است که این سه الزام عبارتند از: ادراک ماهیت بینشی (فکری ـ نظری) به معنای شناخت منطق فکری ـ ایدئولوژیکی حریف، ادراک شیوه کنشی (رفتاری ـ عملی) به معنای شناخت نشانه‌های رفتاری و شیوه های پاسخ‌گویی حریف و

ادراک سازه‌ساختاری (هیئت ـ شکل) حریف به معنای شناخت ساختار و سازمان حریف در محیط مورد تهاجم است. فرآیندی که در مجموع در مدل روند شناسی تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف (مدل شماره دو) را به تصویر کشیده شده است.

پیشنهادهای تضمین موفقیت، توصیه های راه گشا و گره گشا و مراقبت از دام های موجود در فرآیند تهاجم اطلاعاتی عبارتند از:

تضمین موفقیت تهاجم اطلاعاتی از طریق:

کوتاه مدت؛ تبادل رسمی اطلاعات، لابی گیری با دارندگان اطلاعات و خرید محصول از فروشندگان اطلاعات

میان مدت؛ تعامل اطلاعاتی با کشورهای و همراهان فرهنگی، سیاسی و امنیتی، عامل گیری از محی حریف و دوبل سازی عوامل حریف در محیط خودی.

بلند مدت؛ نفوذ فرهنگی در سرمایه های علمی، نفوذ اجتماعی در میان آحاد جامعه، نفوذ سیاسی از طریق ارائه تصویر مقتدر از قدرت، نفوذ امنیتی از طریق سلطه اطلاعاتی.

توانمندسازی ساختار تحلیلی نهادهای اطلاعاتی مهاجم از طریق:

۲-۱. فرصت یابی در حوزه حریف (شناخت فرصت ها نفوذ و یا اعمال نفوذ بر حریف)

۲-۲. تحلیل درست گلوگاه های محیطی و بازیگران اصلی حوزه حریف (به منظور جلوگیری از مدیریت زمان و هزینه)

۲-۳. راهیابی راهبردی برای مدیریت حریف (با هدف اعمال قدرت خودی و مهار تهدیدات حریف)

روش های عملیاتی تهاجم اطلاعاتی در حوزه حریف:

۳-۱. عملیات شناختی ادراکی (تخریب معادله ها برای پریشانی تصمیم گیران، تحریف محاسبه ها در نسخه پیچی تصمیم سازان)

۳-۲. نفوذ اعتباری (افزایش سرمایه اجتماعی و...)

۳-۳. تعامل گرایی (اثرگذاری بر لابی ها متنفذ، سازمان های مردم نهاد و افکار عمومی)

۳-۴.کاربست علوم ترکیبی (علوم شناختی، روان شناسی، جامعه شناسی و...)

۳-۵. استفاده از میانجی ها (فضای مجازی، عوامل مجازی، کشورها و گروه های مجازی تعامل و تأثیرپذیران)

مراقبت از مهمترین دام های موجود در مسیر تهاجم اطلاعاتی

۴-۱. دام اول. عدم شناخت شالکه های اصلی و فرعی حکمرانی اطلاعاتی؛ شناخت نادرست و غیردقیق از لایه های پنج گانه حکمرانی حریف.

۴-۲. دام دوم. تسلط استراتژی ستادی بر میدانی؛ یکجا و اینجا نشینی و اولویت رویکرد درون نگر و درون گرایی به جای اتخاذ رویکرد برون نگری و برن گرایی.

۴-۳. دام سوم. فقدان یکپارچگی در اقدام؛ در پنج لایه و همراه پیوست های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی.

۴-۴. دام چهارم. عزم پوشالی و کاغذی شدن تلاش ها؛ کاهش انگیزه عملی در اعمال قدرت بر حریف و تبدیل ایده ها به مدل های نوشتاری.

۴-۵. دام پنجم. نگرش غیرمنظومه ای و عدم درک تراز عمل انقلاب اسلامی؛ فهم و تکثر ساختتارهای تهاجم اطلاعاتی در نهادهای مختلف و کاهش سطح رقابت انقلاب اسلامی به مرزهای جغرافیایی به جای مرزهای ژئوپلیتیکی مبتنی بر اندیشه توحیدی و انگیزه های فطری و انسانی.

منابع

۱. اتوتایل، ژئاروید و همکاران(۱۳۸۷) اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، مترجم: دکتر محمدرضاحافظ نیا و هاشم نصری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه.

۲. افتخاری، اصغر(۱۳۹۱) امنیت، مجموعه مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

۳. افتخاری، اصغر(۱۳۹۲) امنیت اجتماعی شده: رویکرد اسلامی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۴. افروغ، عماد(۱۳۷۷) فضا و نابرابری اجتماعی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

۵. آشوری، داریوش (۱۳۹۴) دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتبهای سیاسی)، چاپ بیست و چهارم، انتشارات مروارید.

۶. بوفر، آندره(۱۳۶۶) مقدمه ای بر استراتژی، ترجمه: مسعود کشاورز، دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه ج.ا.ایران.

۷. جاسبی، جواد و نفری، ندا(۱۳۸۸) طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۶، فصل زمستان.

۸. حسینی تاش، سیدعلی و واثق، قادر علی(۱۳۹۳) حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع)، سال سوم، شماره دوم، پیاپی ۸، بهار و تابستان.

۹. دهشیری، محمدرضا و غفوری، مجتبی(۱۳۹۴) الزامات راهبردی ج.ا.ایران در قبال سیاست های خاورمیانه ای جدید آمریکا، فصلناهه سیاست های راهبردی و کلان/ سال سوم، شماره دوازدهم، زمستان.

۱۰. ربانی خوارسگانی، علی و میرزایی، محمد (۱۳۹۳) ایدئولوژی، سوژه، هژمونی و امر سیاسی در بستر نظریهٔ گفتمان، غرب شناسی بنیادی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شمارهٔ اول، بهار و تابستان.

۱۱. رفیعی، فرشاد و همکاران(۱۳۸۷) نقش سازمان های مردم نهاد در گسترش امنیت انسانی، همایش مجموعه مقاله های همایش بین المللی امنیت انسانی در غرب آسیا، دانشگاه بیرجند، آذرماه.

۱۲. ژیلنیتس، آندژی(۱۳۹۴) فضا و نظریه اجتماعی، ترجمه محمود شورچه، چاپ اول، تهران: نشر پرهام نقش.

۱۳. ساروخانی، باقر(۱۳۷۵) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۴. مینتزبرگ، هنری (۱۳۶۷) مدیریت استراتژیک، ترجمه: محمد صائبی، تهران: مرکز آموزش مدیریت

۱۵. ظریف، محمد جواد، آهنی امینه، محمد(۱۳۹۱) دفاع مشروع پیشدستانه: کاربرد زور در روابط بین الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر رضا، شماره ۱۲، فصل پاییز.

۱۶. قاسمی، فائزه(۱۳۹۴) روش تحلیل گفتمان و مسأله خود و دیگری، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره بیست و چهارم، پاییز.

۱۷. قاضی طباطبایی محمود و وادده‌یر، ابوعلی(۱۳۸۶) جامعه شناسی علم و فناوری؛ تأملی بر تحولات اخیر جامعه شناسی علم، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره سی و یکم، پاییز.

۱۸. کاظمی، علی‌اصغر(۱۳۷۴) روش و بینش در سیاست، جلد اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۱۹. کالینز، جان(۱۳۷۰) استراتژی بزرگ (اصول و رویه ها)، ترجمه کوروش بایندر، دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه ج.ا.ایران.

۲۰. گولینگر، اوا (۱۳۸۹) شورش رنگی را چه کسی راهبری می کند؟ مترجم: علی منفرد، ویژه نامه نوروزی سال نو، روزنامه جوان، تهران؛ شرکت پیام آوران نشر روز.

۲۱. لطفیان، سعیده (۱۳۷۶) استراتژی و روشهای برنامه‌ریزی استراتژیک، تهران: وزارت امورخارجه، مؤسسه چاپ وانتشارات.

منابع لاتین

1. Adams,(1823) Late President of the United States; with His Answer, Cummings and Hilliard, Boston.
2. Der Derian, J,(1995) "A Reinterpretation of realism: genealogy, dromology", in Der Derian(ed) Internadonai Theory: Critical Investigation. London: Macmillan.
3. Taming American Power, Stephen M. Walt, pp 224.
4. The American Heritage,(2000) Dictionary of the English Language, Fourth Edition. Houghton Mifflin Company.
5. http://didban.ir/fa/news-details/16438/
6. http://tabyincenter.ir
7. http://www.hbs.edu/faculty/Publication%20Files/08-102.pd.
8. https://fa.wikipedia.org/wiki.